

نگاهی به شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای^۱

حمیدرضا انوری^۲

منطقه آسیای مرکزی با توجه به موقعیت ژئوپلیتیکی که دارد، به علاوه رویارویی با رقابت منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و مسایل ناشی از اقدامات مسلحانه افراطیون اسلامگرا، قاچاق گسترده مواد مخدر و ... طی ده ساله گذشته بیش از آنکه حول برنامه‌های اقتصادی متمرکز باشد، درگیر چالش‌های امنیتی بوده است، همین چالش‌ها موجب شده تا کشورهای این منطقه پیوسته به دنبال ایجاد یا پیوستن به ساختارهایی برآیند تا امنیت آنها را تأمین کند، در این میان ساختارهای فرامنطقه‌ای مانند ناتو اگرچه تلاش‌هایی را برای جذب این کشورها - به‌طور مشخص از بکستان - صورت داده‌اند، اما شرایط تاریخی و سیاسی منطقه این اجازه را به اینگونه کشورها نمی‌دهد، علاوه بر آنکه روسیه (وارث اتحاد جماهیر شوروی) و چین، به عنوان دو کشور قدرتمند جهانی در تلاش هستند تا با ایجاد ساختارهای منطقه‌ای ضمن مقابله با خطرات منطقه‌ای، دست‌آویزهای آمریکا و ناتو را در گسترش به شرق بی‌اثر سازند. یکی از ساختارهایی که به تازگی با محوریت دو کشور فوق شکل گرفته و روبه‌گسترش است، سازمان همکاری شانگهای است که به دنبال گروه شانگهای - ۵ تأسیس گردید. این سازمان اگرچه در ابتدا با هدف حل و فصل اختلافات مرزی بین چین و چهار همسایه آن در مجموعه کشورهای مشترک‌المنافع ایجاد شد، اما در ادامه اینگونه به نظر می‌رسد که در جهت تبدیل شدن به یک اتحاد منطقه‌ای با اهداف نظامی و امنیتی پیش می‌رود، این دیدگاه را با توجه به اظهارنظرات مقامات روسیه و چین و نیز کم‌وبیش در اظهارات سران سایر کشورهای عضو این سازمان می‌توان دریافت. در نوشتاری که پیش‌رو دارید به سوابق، ضرورتها، اهداف اعلامی و تحلیلی بر چشم‌انداز سازمان تازه تأسیس همکاری شانگهای پرداخته شده است.

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال کشورهای مشترک‌المنافع باعث شد تا این کشورها و نیز همسایگان آنها، با معضلاتی منبعت از تحولات نظام بین‌المللی، شرایط خاص منطقه‌ای و مشکلات سیاسی و اقتصادی روبرو شوند.

1. Shanghai Cooperation Org. (SCO)

۲. آقای حمیدرضا انوری کارشناس اداره دوم مشترک‌المنافع وزارت امور خارجه است.

در بُعد منطقه‌ای مشکلات برخاسته از موج روبه‌گسترش اقدامات تروریستی منتسب به گروه‌های اسلام‌گرای افراطی و تحرکات طالبان، قاچاق گسترده مواد مخدر، اختلافات و تهدیدات مرزی و بی‌ثباتی در مناطق مختلف و تسری آن به داخل، از دغدغه‌های اصلی کشورهای منطقه آسیای مرکزی است. در بُعد بین‌المللی نیز مسکو و جمهوری‌های پیرامون با تهدیدات جدی برخاسته از شرایط نظام بین‌المللی و استیلاجویی آمریکا (مانند گسترش ناتو به شرق و جذب کشورهای منطقه به همکاری‌های امنیتی و نظامی و اقتصادی با خود) مواجه شده‌اند.

این مسایل موجب شده تا کشورهای آسیای مرکزی در رویارویی با خطرات و تهدیدات منطقه‌ای به تأسیس گروه‌ها و نشست‌هایی دست بزنند تا بلکه بدین وسیله ناتوانی خود را در رویارویی با تهدیدات موجود و بالقوه در قالب همکاری‌های جمعی جبران کنند.

از سوی دیگر مسکو نیز به‌عنوان وارث اتحاد جماهیر شوروی ناگزیر از تقویت بنیان‌های همکاری امنیتی در منطقه شده است. به همین جهت پوتین با نگاه جدیدی به منطقه پیرامونی خود، رویکرد به خارج نزدیک را مورد توجه قرار داده و تلاش می‌کند تا روابط خود را با کشورهای آسیای مرکزی و همسایه گسترش دهد.

یکی از ساختارهایی که در چارچوب این ضرورت‌ها بتازگی شکل گرفته، «سازمان همکاری شانگهای» است که در ابتدا در قالب گروه «شانگهای - ۱۵» و با هدف حل و فصل اختلافات مرزی چین و کشورهای همسایه مانند روسیه، قزاقستان، ترکمنستان و قرقیزستان ایجاد شد؛ اما گذشت زمان نشان داده این گروه نیز همچون گروه‌های تشکیل یافته در این منطقه پس از مدتی خواه ناخواه بیشتر به سمت توجه به مسایل امنیتی و نظامی معطوف شده است. تمایلات روسیه و چین به گسترش اعضا و از جمله جذب کشورهایمانند ازبکستان و ابراز علاقمندی به جذب کشورهایمانند ایران، هند و ... در کنار پاره‌ای از مصوبات و موضعگیری‌های این گروه نشان می‌دهد که اعضای این سازمان به رهبری روسیه و چین نگاهی

فرامنطقه‌ای داشته و البته اگرچه هنوز این استنباط شاید زود باشد، اما می‌توان زمینه‌های بالقوه ایجاد یک پیمان جمعی در برابر تحرکات توسعه‌طلبانه آمریکا را در این سازمان ارزیابی کرد.

نخستین نشست سران سازمان همکاری شانگهای

نخستین اجلاس «سازمان همکاری شانگهای» با شرکت سران شش کشور عضو روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۴ و ۲۵ خرداد ماه ۸۰ در شهر شانگهای چین برگزار شد که در آن از بکستان نیز به عنوان یکی از اعضای بنیانگذار مشترک سازمان شانگهای تعیین و رسماً به عضویت درآمد. شرکت‌کنندگان در بیانیه پایانی رسماً هدف از تأسیس این سازمان را تضمین امنیت در منطقه آسیای مرکزی و حمایت از روند حرکت به سمت نظام چندقطبی در جهان و دموکراتیک شدن روابط بین‌الملل عنوان کرده‌اند.^(۱)

سران کشورهای عضو در بیانیه پایانی خود همچنین بر توافقاتی ۵ سال گذشته گروه شانگهای - ۵ از جمله اصول گسترش اعتماد نظامی در نواحی مرزی مصوب اجلاس سال ۹۶ شانگهای؛ قرارداد کاهش نیروهای نظامی در مرزها در سال ۹۷ و همچنین اسناد مصوب حول موضوعات: همکاری در حل و فصل مشکلات مرزی، مبارزه با مواد مخدر، تروریسم و افراط‌گرایی، کاهش نیروهای نظامی در مرزهای یکدیگر، مخالفت با طرح دفاع موشکی آمریکا، مخالفت با اقدامات آمریکا در خصوص تایوان و ... تأکید کردند.

آنها همچنین ابراز امیدواری کردند با تداوم برقراری سیستم‌های کنترل تسلیحات و امضای قراردادهای خلع سلاح، تلاش‌های مؤثر و مداومی در جهت توسعه ثبات در منطقه و جهان، انجام دهند.

سران عضو همچنین توافق کردند که وزیران امور خارجه و دفاع این کشورها هر سال نشست‌هایی را برای گسترش همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و به‌ویژه توسعه امنیت و ثبات در منطقه آسیای مرکزی برگزار نمایند که بر همین اساس وزیران دفاع در نخستین نشست،

حمایت قاطع خود را از پیمان موشک ضدبالستیک (A.B.M. - سال ۱۹۷۲) اعلام کرده، آن را اساس ثبات راهبردی و پیش شرط خلع سلاح دانستند و علاوه بر این حمایت جدی خود را از موضع چین مبنی بر مقابله با تلاش هر کشوری که بخواهد تایوان را در پوشش طرح دفاع موشکی (T.M.D) قرار دهد، اعلام کرده، بر تقویت همکاری نظامی برای جلوگیری از تهدیدها و چالش‌ها تأکید نمودند.^(۲)

در اجلاس مذکور در خصوص برگزاری نشست‌هایی پیرامون مسایل فرهنگی، مبارزه با بلایای طبیعی و مبارزه با جنایات نیز توافقاتی صورت گرفت.

رئیس جمهور چین در جریان این اجلاس گفت این سازمان نوپا باید باعث افزایش ثبات و همکاری در قرن جدید گردد؛ وی افزود که کشورهای عضو این سازمان هم‌مرز هستند و مساحت عمده‌ای از منطقه را در دست دارند و اعتماد متقابل، حسن همجواری و همکاری‌های دوستانه بین آنها نه تنها باعث گسترش منافع این کشورها، بلکه موجب افزایش صلح و امنیت در منطقه و جهان می‌شود.

وی همچنین اظهار داشت: تشکیل این سازمان تحولی مهم در روابط بین‌المللی محسوب می‌شود و با بنیان‌گذاری طرح جدیدی از امنیت، اعتماد، خلع سلاح و همکاری، نمونه جدیدی از روابط میان دولت‌ها را رقم زده است.

وی با اشاره به اینکه تهدیدات ناشی از سه پدیده تروریسم، جدایی‌طلبی و افراط‌گرایی در آسیای مرکزی در حال افزایش است، اظهار داشت: این سازمان تحت هر شرایطی، پرچم صلح و همکاری را همواره برافراشته خواهد داشت.

جیانگ زمین به‌عنوان ادامه راه موفقیت‌آمیز این سازمان چهار پیشنهاد داده است: افزایش خلاقیت، نوآوری، تداوم مشی واقع‌گرایانه و تقویت روح همبستگی.^(۳)

سابقه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای در ابتدا در قالب گروه شانگهای یاجی - ۵ متشکل از کشور چین و چهار همسایه آن یعنی تاجیکستان، روسیه، قرقیزستان و قزاقستان در ۲۶ آوریل سال ۱۹۹۶ با هدف حل و فصل مسایل مرزی بین این کشورها تشکیل گردید و در نشست اخیر (۲۴ و ۲۵ خرداد ۸۰) که گروه جی - ۵ به سازمان ارتقا یافت، ازبکستان نیز به‌عنوان یکی از اعضای بنیانگذار به این سازمان پیوست.

البته پیش از تشکیل جی - ۵ در سفر گورباچف رئیس‌جمهور سابق اتحاد جماهیر شوروی به چین در سال ۱۹۸۹ مذاکرات سطح بالایی در خصوص حل و فصل اختلافات مرزی آغاز شده بود، ولی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی هرکدام از جمهوری‌ها مذاکرات پیرامون مسایل مرزی را رسماً پی گرفتند.

رئیس‌ان جمهوری کشورهای عضو جی - ۵ در ادامه مذاکرات خود توافقنامه ارتقای سطح اعتماد در حوزه نظامی را در تاریخ ۲۶ آوریل ۹۷ در شانگهای به امضا رساندند و در طول اجلاس بعدی که در همان سال و در مسکو تشکیل شد، گام‌هایی برای تقویت گروه برداشتند که از جمله آنها می‌توان امضای توافقنامه کاهش نیروهای نظامی در فاصله یکصد کیلومتری مرزهای یکدیگر را نام برد. از مهمترین اسناد امضا شده در طول پنج نشست قبلی می‌توان به موافقتنامه تعیین دقیق محل جغرافیایی مرزهای هر کشور بین چین، قزاقستان و قرقیزستان و نیز یک موافقتنامه اضافی پیرامون مرزهای چین و قرقیزستان اشاره کرد که در جریان اجلاس بیشکک (۲۴ و ۲۵ اوت سال ۲۰۰۰) تحقق یافت. در این نشست همچنین هیأت‌های شرکت‌کننده مذاکرات دوجانبه‌ای را بین خود پیرامون همکاری‌های اقتصادی صورت دادند.

به دنبال نشست‌های سال ۹۸ در آلمانی و ۹۹ در بیشکک، این سازمان به سوی اهدافی غیر از هدف اولیه (یعنی حل و فصل اختلافات مرزی) گرایش پیدا کرد و اسناد دیگری پیرامون مبارزه مشترک علیه قاچاق مواد مخدر و جنایات سازمان یافته و نیز تثبیت همکاری راهبردی

در زمینه‌های اقتصادی از جمله احیای جاده ابریشم به امضای طرفین رسید. در چارچوب همین گرایش جدید نکته قابل توجه بیانیه اجلاس این گروه در شهر دوشنبه بود که در آن شرکت‌کنندگان از اقدامات روسیه در چپن شدیداً حمایت و نیز دخالت‌های ناتو را در کوزوو محکوم ساختند.^(۴)

موضوع مهم دیگری که نشانگر تغییر فاز اهداف این گروه به مسایلی غیر از حل اختلافات مرزی اعضاست، تأکید کشورهای عضو بر این نکته است که همکاری بین پنج دولت باز است و علیه هیچ کشور دیگری نیست. همانگونه که مشاهده می‌شود فاز همکاری‌ها در این گروه طی ۴ سال اخیر از حل و فصل اختلافات مرزی فراتر رفته و بر مسایل نظامی و امنیتی تمرکز بیشتری یافته است، اگرچه گرایش‌هایی برای برقراری همکاری‌های اقتصادی در چارچوب این سازمان وجود دارد (مانند قزاقستان). تا پیش از اجلاس اخیر شانگهای، اعضای گروه جی-۵، پنج نشست سران را برگزار کرده بودند که آخرین آن در تاریخ ۵ جولای ۲۰۰۰ در دوشنبه بود.^(۵)

لازم به ذکر است که سازمان همکاری شانگهای در کنار اجلاس سران، یک نشست نیز تحت عنوان هماهنگ‌کنندگان دارد که تاکنون سه دوره برگزار شده و در حال حاضر تاجیکستان هماهنگ‌کننده این گروه است، زیرا در سال جدید ریاست این گروه را بر عهده گرفته است. در نشست هماهنگ‌کنندگان معمولاً مسایل مربوط به ملاقات سران، نخست‌وزیران و وزیران امور خارجه و نیز ارتقای ساز و کارهای این سازمان مورد تبادل نظر قرار می‌گیرد.

ضرورت‌های تشکیل این سازمان

ضرورت‌های تشکیل سازمان همکاری شانگهای را می‌توان در چارچوب منافع اعضا و به‌ویژه دو قطب اصلی این گروه یعنی روسیه و چین تحلیل کرد. اصولاً باید یادآور شد که محور تاریخی، جغرافیایی از اقیانوس منجمد شمالی تا اقیانوس

هند و از رود ولگا^۱ تا لنا^۲ که بر طبق نظرات اچ. مکیندر^۳ هارتلند محسوب می‌شود، حوزه منافع حیاتی فدراسیون روسیه به حساب می‌آید و به همین خاطر روسیه خواستار صلح و ثبات در این منطقه حیاتی و نیز برقراری روابط حسن همجواری با همسایگان آن است.

از دیگر سو، چین نیز در این منطقه به همان اندازه روسیه دارای منافع حیاتی است؛ در درجه نخست به خاطر سین‌کیانگ و نیز تبت که قلب سرزمین چین به حساب می‌آیند و چین به‌عنوان یک قدرت قرن ۲۰ و نیز یک ابرقدرت قرن ۲۱، نیاز به تضمین موقعیت خود در این دو منطقه دارد. مقامات چینی این نگرانی را دارند که مسلمانان چینی و به عبارتی اویغورها قصد دارند در ایالت خودمختار سین‌کیانگ جمهوری مستقل ترکستان شرقی را پایه‌ریزی کنند.^(۶) در کنار این مسأله باید ذکر کرد که تأمین منافع حیاتی چین در آینده منوط به دسترسی آسان به منابع طبیعی کشورهای آسیای مرکزی است، چرا که توسعه چین در قرن آتی به منابع نفت و گاز این منطقه وابسته است و این امکان‌پذیر نیست مگر با توسعه روابط با کشورهای این منطقه، به همین خاطر طی ده سال گذشته چین در گسترش روابط خود با این کشورها تلاش داشته است.

موضوع مهم دیگری که بر حساسیت مسایل منطقه می‌افزاید اقدامات افراطیون مذهبی، تروریست‌ها و قاچاقچیان مواد مخدر (که عموماً در دیدگاه ناظران منطقه به گروه‌های اسلام‌گرای افراطی منتسب می‌شود) منشعب از پاکستان و افغانستان و نیز بخش‌های زیادی از آسیای مرکزی است که حداقل موجب ثباتی در این منطقه و همسایگان آن می‌شوند و به اعتقاد ناظران غربی نیز گروه‌های بانی این اقدامات گاه از سوی کشورهای عرب خلیج فارس حمایت می‌شوند.

در چارچوب همین تحلیل ناظران غربی معتقدند اسلام‌گرایان با حمایت کشورهای

1. Volga

2. Lena

3. H. Makinder

عرب برای احیای خلافت و تکرار حاکمیت اعراب بر این منطقه تلاش می‌کنند و از همین رو سرمایه‌گذاری‌های مهم اقتصادی اعراب در این منطقه را مرموز دانسته، آن را خطری بالقوه مهم برای کشورهای این منطقه در آینده می‌دانند و به اعتقاد این گروه تروریسم کنونی نه یک پدیده منطقه‌ای، بلکه پدیده‌ای جهانی است.^(۷)

واقعیت این است که آسیای مرکزی با موقعیت ژئوپلیتیک خاص خود و ویژگی‌هایی مانند: محصور بودن در خشکی و دوری از اقیانوس‌ها و دولتهای ساحلی، نه تنها به انزوا دچار نشده، بلکه از طریق مسایل خزر و قفقاز در تمامی مشکلات منطقه اورآسیا درگیر شده است. این امر از آن روست که منطقه مذکور صحنه برخورد منافع تمامی قدرتهای برتر جهانی و نیز تعداد زیادی از کشورهای مشترک المنافع، به علاوه دولتهای غربی، روسیه، چین، دنیای اسلام به عنوان یک کل از جمله: ترکیه، ایران، افغانستان، پاکستان و حتی هند شده است.

چنین شرایطی موجب شده تا ناظران تحولات منطقه آسیای مرکزی، این منطقه را به دلیل برخورد منافع جهانی و افزایش تنش‌ها به طور بالقوه بالکان اورآسیا نامند^(۸) و بر این عقیده باشند که با توجه به تحولات و مسایل چندوجهی این منطقه و نیز حضور قدرتهای هسته‌ای در منطقه، باید در آینده شاهد وقوع یک رویارویی سیاسی بزرگ جهانی باشیم.

شاید بتوان گسترش تنش و مشکلات امنیتی و سیر حوادث خشن نظامی یکی-دو سال اخیر را نشانه‌های تأیید نظر فوق دانست و می‌توان در این خصوص اشاره کرد. در شرایطی که در قفقاز و به طور مشخص چچن گروه‌های مسلح اسلامگرا بالا جبار به ادامه جنگ در قالب نبردهای کوچکتر زمینی روی آورده‌اند، اما در تاجیکستان، قرقیزستان، ازبکستان و حتی قزاقستان افراطیون مسلح در کوهستانهای همجوار دره فرغانه در حال رشد هستند و در چنین فضایی باید امکان تسری اقدامات تروریستی بخصوص از قلمرو افغانستان به منطقه آسیای مرکزی را مورد تحلیل قرار داد.^(۹)

همه اینها باعث می‌شوند تا همانطور که برژینسکی در کتاب خود به نام «صفحه شطرنج»

نوشته است، منطقه آسیای مرکزی را نمونه «تیبیک» یا مرکز «ژئوپلیتیک» بدانیم. این اهمیت ژئوپلیتیکی، کشورهای آسیای مرکزی و البته همسایگان آنها را موجب ساخته تا مسایل موجود را با توجه به جنبه‌ها و زمینه‌های جهانی و فرآیندهای منفی آنها در نظر بگیرند و ریشه‌ها و پیامدهای بسیاری از مسایل کنونی را فرامنطقه‌ای بدانند و روی همین اصل کشورهای منطقه همواره توجه زیادی را به مسایل امنیتی معطوف داشته و بلوک‌بندی‌های مختلفی را حول همکاری‌های امنیتی شکل داده‌اند که جدیدترین آنها را باید سازمان همکاری شانگهای دانست.

در ادامه تحلیل اهداف کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای و به‌طور مشخص در مورد چین می‌توان اهداف زیر را برای این کشور در پیوستن و تقویت این سازمان ذکر کرد:

- هدف اقتصادی: جستجو برای منابع جدید انرژی به منظور کاهش اتکا به ذغال سنگ و نیز گسترش دسترسی به بازارهای مصرفی کشورهای آسیای مرکزی و روسیه
- هدف سیاسی: کاستن از تمایلات جدایی‌طلبی در منطقه خودمختار سین‌کیانگ - اویغور که دارای منابع غنی طبیعی بخصوص نفت است.

زمینه‌های تقویت سازمان همکاری شانگهای به‌عنوان ساختاری با اهداف فرامنطقه‌ای

گروه شانگهای با هدف اولیه حل و فصل اختلافات مرزی تشکیل شد؛ اما پنج سال پس از تشکیل به سمت اهدافی فراتر از این هدف اولیه معطوف شد و بخصوص اعضای گروه تمایل خود را به عضوپذیری و گسترش اعضا اعلام داشتند و در نهایت با پذیرش عضویت ازبکستان از ۲۵ خرداد ماه سالجاری به سازمان ارتقا یافت. در این میان روس‌ها بخصوص حمایت زیادی از این گسترش اعضا و ارتقای سازمان به عمل آورده‌اند، اما باید پرسید چه چیزی پشت هدف روسیه در تلاش برای این تحول نهفته است؟

در درجه نخست باید گفت که اقدامات روسیه در این بلوک راهبردی کاملاً همسو با سیاستهای جدید آن کشور در دوره پوتین است که مشخصه آن را می‌توان از سویی سرد شدن روابط با کشورهای غربی و از سوی دیگر تلاش برای گردآوری دوستان قدیمی یا نهایتاً احیای بخشی از نفوذ قبلی ذکر کرد. اظهارات صریح سال گذشته وزیر امور خارجه روسیه ایگور ایوانف را نیز باید در همین چارچوب مورد تحلیل قرار داد که از جمله در آنها طرفهای ثالثی که نسبت به تجدید تماسهای روسیه بالیبی ممکن است حساسیت‌های منفی نشان دهند، مورد خطاب قرار گرفته بودند.^(۱۰)

با این هدف علاوه بر امکان دسترسی روسیه به منابع معدنی و بازارهای آسیای مرکزی، موجب می‌گردد تا این سازمان دارای نفوذی بیشتر در سطح بین‌المللی شود و حتی به‌عنوان یک پیمان جمعی مهم در منطقه آسیای مرکزی در مقابل پیمانها و تشکیلات و اگرایانه منطقه عمل کند.^۱

روسیه در مسیر حرکت به سمت گسترش حوزه نفوذ این سازمان از تاکتیک گسترش اعضا حمایت می‌کند و در این راستا به عضویت کشورهای مهم منطقه مانند: هند، ایران و همکاری نزدیکتر با چین نظر دارد. اصولاً عملکرد پوتین در نشست دوشنبه (۲۴ و ۲۵ اوت ۲۰۰۰) نشان داد که وی نیز همچون خلف خود بوریس یتسین بر ایجاد یک همکاری راهبردی بین چین و روسیه تأکید دارد.^(۱۱)

از سوی دیگر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای یکی از راههای مقابله با تحولات بی‌ثبات‌کننده و ضدامنیتی که با آنها روبرو هستند را گسترش اعضا به منظور تضمین امنیت منطقه می‌دانند و علاقمندی خود را نیز نسبت به گسترش اعضا این گروه اعلام داشته‌اند. ازبکستان نخستین کشوری بود که در چارچوب این نگرش به عضویت سازمان درآمد؛

۱. اگرچه گفته می‌شود یکی از اهداف روسیه از پیوستن کشورهایی مانند هند و ایران، آن است که کفه وضعیت کنونی را در سازمان همکاری شانگهای - که به سوی چین سنگینی می‌کند - تا حد زیادی به نفع خود متوازن سازد.

البته تا پیش از آن اسلام کریم‌اف رئیس‌جمهور ازبکستان در اجلاس بیشکک به عنوان ناظر شرکت کرده بود.

پوتین نیز معتقد است همایش شانگهای یک کلوب خصوصی نیست و یک سازمان باز برای تشویق سایر اعضای منطقه به همکاری با آن می‌باشد.

این نگاه به گسترش اعضا که بیشتر از سوی روس‌ها مطرح و حمایت شده است،^(۱۲) خود نشانگر آن است که اعضای سازمان نگاهی به اهداف فرامنطقه‌ای و جهانی دارند، آنچنانکه پوتین معتقد است: «این سازمان به عامل اساسی ثبات در منطقه تبدیل شده و در شرایط کنونی می‌تواند نفوذی جدی در امور بین‌الملل ایفا کند».^(۱۳)

اهداف کشورهای عضو از پیوستن به این سازمان

در مورد انگیزه سایر کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای نیز می‌توان به این نکته اشاره کرد که وجه مشترک و محوری مورد توجه همه این اعضا مسایل و مشکلات امنیتی است. اساساً وخامت اوضاع در محدوده باتکنت در قرقیزستان و گروگانگیری‌هایی که از سوی افراطیون مذهبی انجام شد، به علاوه خطرات ناشی از گروه‌های مسلح مخالف برای ازبکستان^(۱۴) و کم و بیش سایر کشورهای آسیای مرکزی موجب گردید تا کشورهای عضو این گروه فوریت مذاکره بر سر مسایل امنیت منطقه‌ای، حل و فصل درگیری‌های افغانستان و نیز مبارزه علیه تجارت غیرقانونی اسلحه و مواد مخدر در آسیای مرکزی را در دستور کار خود قرار دهند و در نشست سران در دوشنبه (تابستان ۷۹) بر ایجاد یک مرکز مشترک مبارزه با تروریسم در بیشکک^۱ و نیز یک مرکز عملیاتی در خجند تأکید کنند.^(۱۵)

۱. به گزارش ایرنا از بیشکک (۷۹/۶/۲۹) رئیس‌جمهور قرقیزستان گفت که بزودی یک مرکز مبارزه با تروریسم در این کشور ایجاد خواهد شد. وی گفت با ایجاد این مرکز کشورش امکان خواهد یافت مبارزه علیه گروه‌های تروریستی و خرابکار را که به آسیای مرکزی روی آورده‌اند، افزایش دهد. ستاد فرماندهی این مرکز در شهر اوش خواهد بود.

در همین راستا اعضای شانگهای - ۵ در اجلاس دوشنبه (ماه اوت ۲۰۰۰) علاوه بر توجه به مقابله با تروریسم، رسیدگی به وضعیت افغانستان و نیز تثبیت یک سیستم مؤثر امنیت منطقه‌ای که بیشتر متوجه مسایل این حوزه است، با تکیه خاص چین و روسیه، نگرانی‌های خود را از قصد آمریکا برای ایجاد سیستم دفاع ملی ضد موشکی ابراز داشتند^(۱۶) و بر ابقای پیمان دفاع موشکی ۱۹۹۷ رأی دادند^۱ و در بیانیه نهایی نیز عدم رضایت و ناپردباری خویش را از دخالت کشورهای خارجی در امور داخلی خود به بهانه «دخالت‌های بشردوستانه و حفاظت از حقوق بشر» ابراز داشتند:^۲ اگرچه به رغم اظهارات ضدغربی و به‌طور مشخص ضدآمریکایی رهبران کشورهای عضو این سازمان، هنوز هیچ سند راهبردی مهمی در این رابطه به امضای شرکت‌کنندگان نرسیده است.

این علاقه‌مندی به حل مسایل امنیتی را می‌توان در اجلاس شورای وزیران دفاع کشورهای CIS در مسکو در تاریخ ۱ دی‌ماه ۱۳۷۹ نیز مشاهده کرد که شرکت‌کنندگان از پیشنهاد وزیر امور خارجه روسیه مبنی بر برگزاری اجلاس مشترک شورای وزیران دفاع و شورای وزیران امور خارجه مشترک‌المنافع حمایت و در نشست افتتاحیه سازمان در شانگهای نیز سران شرکت‌کننده بر برگزاری نشست‌های سالانه وزیران دفاع اعضا تأکید کردند.^(۱۷)

ایگور ایوانوف وزیر دفاع روسیه نیز در همان نشست اولین دستور کار همکاری نظامی در چارچوب CIS را مقابله با تروریسم بین‌المللی در آسیای مرکزی و جنوب دانست. بر همین اساس در نشست دوشنبه (۲۰ اوت ۲۰۰۰) در کنار تأکید عسگر آقایف که روسیه را ضامن ثبات و امنیت منطقه توصیف کرد، نظر بایف نیز خواستار تسریع در احیای

۱. در همین رابطه سخنگوی پوتین پس از دیدار وی با جیانگ‌زمین اظهار داشت که دو رئیس‌جمهور معتقدند سیستم پیشنهادی آمریکا ممکن است باعث خدشه‌دار شدن توافقات کنترل سلاح شود، بخصوص که این طرح آمریکا ناقض پیمان ضد موشکی بالستیک ۱۹۷۲ است.
۲. این نکته به‌طور مستقیم اشاره به دخالت‌های آمریکا و OSCE در مسایل انتخابات و حقوق بشر در کشورهای منطقه دارد.

ماشین دفاع جمعی CIS شد.^(۱۸) درخواستی که در رزمایش مشترک نیروهای هوایی و دفاع هوایی کشورهای مشترک‌المنافع در آستاراخان تحت عنوان «مشترک‌المنافع ۲۰۰۰» توانایی عملیاتی خود را نشان داد.^(۱۹)

نگاهی کوتاه به این رزمایش نکات جالبی را روشن می‌کند؛ بخش عمده و اصلی نیروهای شرکت‌کننده در آن رزمایش را نیروهای کشورهای عضو شانگهای، از جمله نیروهای ضد هوایی تاجیک که در بیلوروس آموزش دیده بودند، تشکیل می‌دادند.

رزمایش مذکور سه ویژگی مهم داشت: ۱. ویژگی راهبردی آن؛ ۲. عملیات این رزمایش به‌طور دقیق با هدف دفاع از شرایط کنونی منطقه خزر (به‌عنوان یک منطقه نفتی مهم جهانی که علائق بسیاری از کشورهای خارجی را به خود جذب کرده است) تنظیم شده بود.^(۲۰) ۳. شرکت‌کنندگان بر تشکیل یک ستاد فرماندهی مشترک مبارزه علیه تروریسم صحه گذاشتند. از رزمایش مذکور می‌توان یافته‌های زیر را استنباط کرد:

- کشورهای مشترک‌المنافع و دولتهای عضو مجمع شانگهای نسبت به تروریسم سازمان یافته نه تنها در محدوده دره فرغانه و مناطق اطراف آن، بلکه در کل آسیای مرکزی و بخش‌هایی از چین نگران هستند.

- آمادگی نظامی، فنی و سیاسی و ارتباطات زیاد تروریست‌ها این برداشت را به دست می‌دهد که این نوع تروریسم یک تروریسم دولتی و یا اینکه حداقل منشاء عمل هر دو یکی است و اینکه تروریسم از حمایت‌های پنهانی دولتهای خارجی بهره‌مند می‌شود (نشانه این حمایت‌ها را می‌توان در بکارگیری نیروی هوایی و نیز سلاحهای دفاع در برابر حملات هوایی دید که در مقایسه با سلاحهای مفید برای قاچاقچیان مانند موشکهای کروز یا تجهیزات زرهی سؤال برانگیز هستند).^(۲۱)

تمامی این شرایط باعث شده تا کشورهای منطقه برای مقابله با تهدیدات، دو هدف اصلی را مدنظر داشته باشند:

- الف) ایجاد ساختارهای منطقه‌ای که همگی پس از مدتی بخاطر نگرانی‌های فوق‌الذکر به اهداف امنیتی و نظامی معطوف می‌شوند؛

ب) پیوستن به ساختارهای فرامنطقه‌ای و یا گسترش اعضا و یا اهداف ساختارهای منطقه‌ای برای تأثیرگذاری قوی‌تر بر فرآیندهای منطقه‌ای.

پیوستن ازبکستان به سازمان همکاری شانگهای

در اجلاس افتتاحیه سازمان همکاری شانگهای، ازبکستان نیز به عنوان یک عضو بنیانگذار به این سازمان پیوست و اسلام کریم‌اف تعهد خود را به مقررات و اساسنامه این سازمان ابراز داشت. در این خصوص باید به سابقه پذیرش ازبکستان اشاره کرد. (۲۲)

هنگام برگزاری آخرین نشست «شانگهای ۵» در دوشنبه، اسلام کریم‌اف به عنوان عضو ناظر پذیرفته شده در آن شرکت داشت. حضور کریم‌اف در آن اجلاس را در حالی که بر خلاف تمامی اعضای گروه با چین مرز مشترک ندارد، ولادیمیر پوتین چنین توجیه کرد که بدون مشارکت ازبکستان حل مشکلات منطقه ممکن نخواهد بود. (۲۳)

در آن نشست رئیس جمهور ازبکستان در مرکز توجهات قرار داشت و تماسهای زیادی بین وی و پوتین برقرار بود و پوتین شخصاً توجه زیادی به همکاری ازبک خود نشان داد، به طوری که در کنفرانس مطبوعاتی نیز در کنار کریم‌اف بود.

اگر در نظر بگیریم که رئیس جمهور ازبکستان ترجیح داد بجای شرکت در ملاقات با دبیرکل جدید ناتو (جرج روبرتسون)، در اجلاس دوشنبه شرکت کند، آنگاه می‌توان قضاوت کرد که تا چه حد این اتحاد جدید برای تاشکند مهم بوده است و همانطور که نزاوسیمایاگازتا (۲۴) نوشت: برای کریم‌اف شرکت در این نشست و مذاکره با همتای تاجیکی خود از اهمیت بیشتری برخوردار بود.

به دنبال عزیمت کریم‌اف برای این اجلاس، دبیرکل ناتو تنها توانست با نخست‌وزیر

ازبکستان اوتکر سلطان‌اف، وزیر دفاع یوری آگزاموف و وزیر وضعیت‌های اضطراری کاسیموف دیدار کند؛ و این برخلاف روند قبلی بود که در سفرهای نمایندگان عالی‌رتبه ناتو به ازبکستان طی سالهای ۹۶-۹۷، کریم‌اف همواره با آنها ملاقات کرده بود.

اما سؤال این است که ازبکستان چه اهدافی را از پیوستن به سازمان همکاری شانگهای دنبال می‌کند؟

در پاسخ می‌توان گفت که وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی و نیز هراس از بی‌ثباتی، ازبکستان را وادار ساخته تا نه تنها فعالانه به تعقیب دشمنان خارجی (مانند طالبان) و داخلی (متعصبین مذهبی و وهابی‌ها) خود برآید، بلکه در جهت جلب حمایت قدرتهای خارجی نیز برآید. این ضرورت زمانی آشکارتر شد که ازبکستان در ماجرای حملات نیروهای مخالف متوجه شد به سختی می‌تواند بر روی حمایت ناتو و آمریکا تکیه کند؛ این نکته را می‌توان بر اساس این واقعیت توضیح داد که بین آمریکا و ازبکستان فاصله جغرافیایی زیادی وجود دارد.

علاوه بر این مشکل جغرافیایی، یک رشته مشکلات که ماهیتی بشردوستانه دارند نیز در این گرایش ازبکستان دخیل هستند؛ به‌طوری که غربی‌ها همواره حمایت‌های خود را منوط به آزادسازی سیاسی در ازبکستان می‌کنند و این درخواست‌ها با سیاست‌های داخلی کریم‌اف سازگار نیست.

کریم‌اف در مصاحبه‌ای با رادیو آزادلیق با بیان اینکه: «پیوستن یا نپیوستن به هر اتحاد یا توافق امنیتی و اینکه این همکاری در چه چارچوبی باشد، تنها در اختیار دولتهای منطقه است و حضور ازبکستان برای حل موفقیت‌آمیز مسایل مورد اختلاف بین اعضا حیاتی است» تمایل کشورش را به پیوستن و یا تثبیت نوعی همکاری با این سازمان بیان داشت.

این اظهارات در حالی صورت می‌گرفت که ناتو مایل بود تا کشورهای منطقه در حد بالاتری به همکاری با آن بپردازند.

از سوی دیگر با توجه به این واقعیت که پایه‌های شکل‌گیری هر اتحاد یا بلوک بر اساس

مرزها یا منافع و علائق مشترک منطقه‌ای است، می‌توان ابتکار روسیه در پذیرش ازبکستان را اقدامی نمادین دانست که در چارچوب فوق نمی‌گنجد، با این حال به گزارش ناظران، پوتین در اجلاس بیشکک تلاش زیادی به خرج داد تا کریماف را با خود همراه کند و روابط خاص این دو در اجلاس مذکور نشان داد مسکو نسبت به ازبکستان توجه زیادی برای اجرای سیاستهای منطقه‌ای خود دارد. این توجه پوتین را همچنین می‌توان براساس این واقعیت در نظر گرفت که از سال ۱۹۹۰ کریماف بیشترین دیدارهای خود را - بجز رهبران منطقه آسیای مرکزی - با رهبران چین داشته و روس‌ها مایل به حضور چین (رقیب دیرینه) تا این حد در مناطق سنتی خود نیستند، گرچه در سازمان تازه تأسیس، روسیه بر همکاری راهبردی با چین نگاه ویژه‌ای دارد. (اخیراً رئیس بخش همکاری‌های بین‌المللی وزارت دفاع روسیه، ژنرال لئونید ایواشوف اظهار داشته است که روسیه، چین و هند اهداف مشترکی دارند و در نتیجه آنها را می‌توان «متحدین ایدئولوژیک» خواند). علاوه بر اینها، عدم پیوستن ازبکستان به این سازمان، عملاً موجب ایجاد یک نقص راهبردی در کارآمدی آتی این سازمان می‌شد و بر همین اساس نیز پوتین گفته بود بدون مشارکت ازبکستان حل مشکلات منطقه ممکن نخواهد بود. (۲۵)

درخواست رسمی پاکستان برای عضویت در سازمان همکاری شانگهای

از ابهاماتی که طی نخستین نشست این سازمان ایجاد گردید، درخواست عضویت پاکستان در این گروه بود که به تاجیکستان به عنوان رئیس ادواری این گروه ارائه و موجب اظهار نظرات و تحلیل‌ها و موضعگیری‌های مختلفی شد. ابهام جدی آن بود که چرا ازبکستان که پس از پاکستان درخواست عضویت داده بود به عضویت سازمان درآمد، ولی پاکستان نه؟ در این خصوص معاون وزیر امور خارجه چین توضیح داد که ازبکستان به دلیل آنکه پیش‌تر به عنوان عضو ناظر پذیرفته شده بود، در نشست اخیر (ژوئن ۲۰۰۱) به عضویت رسمی این سازمان درآمد. (۲۶)

اما با این وصف مواضع کشورهای عضو در این خصوص چنین بوده است: قزاقستان: نظریات با بیان اینکه چطور می‌توان از عضویت کشوری که خود از بانیان اصلی مصائب و مشکلات افغانستان بوده، در این گروه حمایت کرد، این درخواست را به موافقت تمامی سران عضو موکول کرده است. (۲۷)

روسیه: هنوز سازوکار معینی برای پیوستن اعضای جدید مشخص نشده است. تاجیکستان: رحمان اف رئیس جمهور تاجیکستان مخالفت خود را با این درخواست ابراز و بارها آن را تکرار کرده است. (۲۸)

چین: چینی‌ها نیز موضعی غیرجانبدارانه داشته‌اند.

در این میان هندی‌ها نیز به عنوان یک کشور غیر عضو اما مهم در منطقه و با توجه به اینکه احتمال عضویت پاکستان در این گروه می‌رود، مخالفت و نارضایتی خود را از طریق روس‌ها اعلام داشته و حداکثر تلاش خود را برای رد درخواست پاکستانی‌ها از این طریق صورت داده‌اند.

نتیجه‌گیری

- با در نظر داشتن اظهارات ایواشوف رئیس بخش همکاری‌های بین‌المللی وزارت دفاع روسیه مبنی بر اتحاد ایدئولوژیک بین روسیه، هند و چین و نیز طرح‌های مورد حمایت روسها مانند: افزایش نفوذ و نیز پذیرش اعضای بیشتر به نظر می‌رسد این سازمان که از ابتدا با ابتکار و توافق چین و روسیه و با هدف حل و فصل اختلافات مرزی ایجاد شده بود، با توجه به مسایل امنیتی و نظامی فزاینده در حال تبدیل به یک پیمان دفاعی-امنیتی است.

در این میان گسترش اعضای سازمان از جمله عضویت احتمالی کشورهای مهم منطقه مانند: هند، ایران و... موجب می‌گردد تا این گروه دارای نفوذ بیشتری در سطح بین‌المللی شود و به عنوان یک پیمان جمعی مهم در منطقه آسیای مرکزی در مقابل پیمان‌ها و تشکیلات واگرایانه منطقه‌ای مانند گوآم و یا پیمان‌های گسترش طلبانه بین‌المللی مانند ناتو عمل کند.

در خصوص عضویت پاکستان واضح است با در نظر داشتن اینکه یکی از وجوه مشترک کشورهای عضو کنونی، مقابله با گروه‌های افراطی اسلامی و به‌طور مشخص وهابیت و طالبان است و این با عملکرد پاکستان متناقض است، تحلیل انگیزه‌های پاکستان از ارائه چنین درخواستی کمی غامض به نظر می‌رسد؛ مگر آنکه تحلیل کنیم که پاکستان قصد دارد در نقش عنصری متمایز از گروه، مانع یکپارچگی و اتفاق بین اعضای سازمان شود، به خصوص اگر در نظر بگیریم که با پیوستن احتمالی هند به این گروه که از اهداف اعلامی روس‌ها به‌شمار می‌رود، محاصره پاکستان به لحاظ جغرافیایی در بین اعضای این گروه تکمیل‌تر خواهد شد.

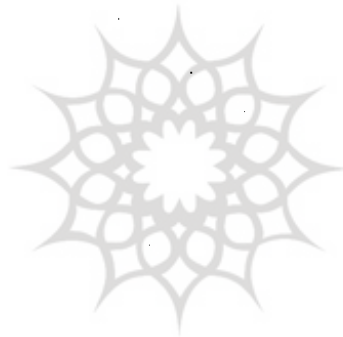
شاید باتوجه به این شرایط بود که درخواست پاکستانی‌ها مورد موافقت قرار نگرفت.

اما در خصوص پیوستن ازبکستان می‌توان گفت: شاید یکی از اهداف روسیه از تقویت نفوذ و گسترش اعضای این سازمان، در کنار موضع‌گیری‌های ضدآمریکایی این گروه را بتوان القای این حس به کشورهای هم‌چون ازبکستان در منطقه (که مایل به گسترش همکاری‌های امنیتی و نظامی خود با کشورهای غرب و به خصوص ناتو هستند) دانست که نشان دهد سرمایه‌گذاری روی حمایت ناتو و آمریکا از این کشورها در مواقع ضروری و مورد نیاز امری سخت و حتی غیرممکن خواهد بود.

واقعیت این است که ازبکستان ثبات سیاسی و امنیتی را هدفی ضروری و کلید اصلی سیاست خارجی خود قرار داده و از همین رو امیدوار است با پیوستن به این سازمان این نیاز را بیش از پیش تأمین کند. در این راستا کریم‌اف از سویی درک کرده که در بین کشورهای عضو گروه شانگهای تنها افتاده و در واقع در محاصره سازمان مذکور قرار گرفته (بخصوص با احتمال عضویت هند و ایران درآینده) و از سویی خطر گروه‌های مخالف داخلی مانند نهضت اسلامی ازبکستان و نیز تهدیدات طالبان را به‌شدت احساس می‌کند، به همین خاطر طی هفته‌های اخیر به نظر می‌رسد سیاست خارجی ازبکستان، برپایه نزدیکی به مراکز فوق معطوف شده است تا بدین‌وسیله خطرات ناشی از این مراکز را حداقل تحت کنترل درآورد.

یادداشت‌ها

۱. خبرگزاری ایرنا - ۲۵ / خرداد / ۸۰.
۲. خبرگزاری رویتر - ۲۵ / تیر / ۸۰.
۳. همان.
۴. خبرگزاری ایرنا - ۱۵ / تیر / ۷۹.
۵. خبرگزاری ایرنا - ۱۰ / خرداد / ۸۰.
6. The Times of Central Asia - TCA (Internet) June/23/2000.
7. Trans Caspian Project _ (Internet) Jan/25/2001.
۸. همان.
۹. هفته‌نامه «اوبشست ونی» (Obshest veny)، چاپ بیشکک، Aug/2/2000.
۱۰. خبرگزاری رویتر - ۲۷ / ۶ / ۷۹.
۱۱. خبرگزاری رویتر - ۱۳ / ۴ / ۷۹.
۱۲. خبرگزاری رویتر - ۲۴ / ۳ / ۸۰.
۱۳. خبرگزاری ایرنا - ۱۵ / ۴ / ۷۹.
۱۴. برای مطالعه بیشتر: The Times of Central Asia (Internet) Aug/1/2001.
۱۵. خبرگزاری ایرنا - ۲۶ بهمن ۷۹ و ۲۹ شهریور ۷۹.
۱۶. خبرگزاری رویتر - ۱۳ تیر ۷۹.
۱۷. خبرگزاری ایرنا - ۲۶ خرداد ۸۰.
18. The Times of Central Asia, (Aug/21/2000).
19. Trans Caspian Project, Jan/25/2001.
۲۰. همان
۲۱. همان
22. www. icb. kg (مرکز اطلاعات و اخبار فرقیستان) June/15/2001.
23. TCA, June/21/2000.
۲۴. خبرگزاری ایرنا، ۵ / ۶ / ۷۹.
25. TCA, (June/21/2000).
۲۶. خبرگزاری ایرنا، ۲۶ / ۳ / ۸۰.
۲۷. خبرگزاری ایرنا، ۱۶ / ۱۰ / ۷۹.
۲۸. همان.



ثروءشكاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی